



تحقیق در حکمت «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة»

پدیدآورنده (ها) : میرباقری، سید محسن؛ سیدرضا، ملیحه السادات
علوم قرآن و حدیث :: پژوهش های نهج البلاغه :: زمستان 1392 - شماره 39
(علمی-پژوهشی/ISC)
از 29 تا 48

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1059929>

دانلود شده توسط : مریم احتسابی
تاریخ دانلود : 12/11/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

تحقیق در حکمت

«الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»

سید محسن میرباقری^۱

ملیحه السادات سیدرضا^۲

چکیده

یکی از احادیثی که به جایگاه والای زن در نگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام دلالت دارد، حدیث «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» است. این حدیث شریف در نهج البلاغه، نامه ۳۱ نقل گردیده است و شارحان این کتاب گرانقدر در اطراف آن به توضیح و تبیین پرداخته اند. دیدگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره زن با وضوح کامل در این کلام ترسیم شده است و می تواند احادیث دیگر نهج البلاغه درباره زن را - که با زبان تمثیل و با استفاده از مجاز و تعریض به زنان خاص بازگو شده - را تبیین کند.

در این مقاله با مراجعه به نقل و شرح شارحان سخن مذکور، به بررسی حکمت سخن امیرمؤمنان علیه السلام پرداخته می شود تا ضمن تبیین این کلام جایگاه و منزلت زن از دیدگاه ایشان مورد بررسی قرار گیرد، سپس به نتیجه گیری نهایی مبادرت شده است.

کلیدواژه‌ها

زن، ریحانه، قهرمانه، امیرمؤمنان، کارگزار، خشن، قهرمان، لطیف.

۱. استادیار دانشگاه شهید رجایی.

۲. استادیار دانشکده اصول الدین. mseyyedreza@yahoo.com

بیان مسأله

کلام امیرمؤمنان علیه السلام در بیان «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» به چه معنایی به کار رفته است؟ چرا زن موصوف به صفت ریحانه شده است؟ آیا این صفت بیانگر ضعف و ناتوانی زنان و به عنوان عیب برای آن‌ها مطرح است؟ و یا این که سخن حضرت در مقام بیان صفتی ستودنی در بانوان است؟ بین اوصاف ریحانه و قهرمانه و نقش زنان چه ارتباطی وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت بحث

از موضوعاتی که در طول تاریخ در معرض آرا و تفسیرهای گوناگون قرار گرفته و دچار افراط و تفریط شده است، شخصیت و جایگاه فردی، خانوادگی و اجتماعی زن است. جایگاه و مقام زن با توجه به محدودیت‌های مختلفی که زنان با آن مواجهند، موضوعی قابل تحقیق در تمام جوامع و در تمام برهه‌های تاریخی است. امروزه نیز نظرهای افراطی و تفریطی بسیاری که حاکی از عدم تعادل در جوامع مختلف است به چشم می‌خورد. در این بین تنها مکتب انبیا و اوصیای الهی است که به دور از هرگونه افراط و تفریط و با تکیه بر وحی به ترسیم جایگاه حقیقی زنان متناسب با آفریش آنان پرداخته است.

یکی از منابعی که از قدیم درباره «جایگاه و منزلت زن در نگرش دینی» مورد استفاده قرار گرفته، کلام امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه است.

امیرمؤمنان در نامه ۳۱ نهج البلاغه در خصوص بانوان نیز سفارش نموده و آن‌ها را به «ریحانه» تشبیه کرده است و ضمن آن به مردان نیز سفارش می‌کند که خانواده خود را اکرام کنند:

«... وَ لَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ وَ لَا تَعُدُّ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَا وَ لَا تَطْمَعُهَا فِي أَنْ تَشْفَعَ لِعَیْرِهَا وَ إِيَّاكَ وَ التَّغَايُرُ فِي غَیْرِ مَوْضِعٍ غَیْرَةٌ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَ الْبَرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ؛ (صباحی صالح، بی تا، ۴۰۵)؛ اموری که در خور توان زنان نیست به دستشان مسپار. زیرا زن گلی است خوشبو، نه خادم و کارپرداز، احترامش را در حد خودش مراعات کن و او را به طمع میانجی‌گری در حق غیر مینداز. آن‌جا که جای غیرت نیست از غیرت بپرهیز. زیرا این روش، سالم را به بیماری، و

طبق سخنان امیرمؤمنان علیه السلام در نامه مذکور دو دیدگاه کلی در مورد زنان استنتاج می‌شود. در دیدگاه نخست، زن موجودی ضعیف و ناتوان است که نمی‌تواند چرخه فعالیت‌های فردی و اجتماعی را مدیریت نماید. در این سخن صفت «قهرمانه» که دلالت بر قدرت و توانایی دارد، در بانوان انکار شده‌است.

اما در دیدگاه دوم تأکید بر منزلت و مقام والای زن شده‌است. در این دیدگاه صفات و ویژگی‌های زنان نادیده انگاشته نمی‌شود، بلکه او را موجودی لطیف می‌داند که باید همچون گل بوئیده شود و با ظرافت با او برخورد گردد و نباید فعالیت‌های فوق طاق و ظرفیت از او انتظار داشت. بدین ترتیب به مردان توصیه می‌شود تا از حرمت و حقوق همسر پاسداری نمایند. زیرا او مظهر لطافت است که نباید کارهای دشوار را بر او تحمیل کرد. در بررسی‌های روانشناختی رفتار اجتماعی زنان، شاید بتوان به تأثیر چنین شیوه‌ای در تربیت و پرورش نسل بشری اشاره نمود.

حال با توجه به شروع نهج‌البلاغه به تبیین جمله «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» پرداخته می‌شود، تا صحت و سقم هر یک از این دو دیدگاه بررسی گردد.

معناشناسی لغوی «ریحانه» و «قهرمانه»

کلمه «الریحان» که جمع آن «ریاحین» است، به هر گیاه خوشبویی اطلاق می‌گردد. (کل نبات طیب الرائحة)، و «الریحانه» به معنای مطلق ریحان است. (الموسوی، ۱۴۱۸، ق، ۴/۲۶۶). این واژه به هر گلی اطلاق می‌شود. (علیزاده، ۱۳۶۰، ش، ۱۰۹). برخی نیز «ریحانه» را برای گل بوئیدنی به کار برده‌اند. (قرشی بنایی، ۱۳۷۷، ش، ۱/۴۷۸)

کلمه «قهرمانه» دارای معانی متعددی است، که به برخی از معانی آن اشاره می‌شود:

۱- برخی لغت‌شناسان اصل واژه را فارسی دانسته و آن را معرب، در معنای پهلوان می‌دانند.

(نک: ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۵، ۵/۸۹)

۲- «قهرمان» از ریشه قهرم، به کسی گفته می‌شود که مسلط و حافظ بر زیردستانش باشد. «هُوَ الْمُسَيِّرُ الْحَفِیْظُ عَلٰی مَنْ تَحْتَ يَدَيْهِ» (پهلوان، ۱۳۹۰، ۳۳۴).

۳- این منظور در لسان‌العرب «قهرمان» را فردی معنی می‌کند که همانند خزانه‌دار و وکیل قائم به امور باشد.

«و فی الحدیث: کَتَبَ إِلَى قَهْرْمَانِهِ، هُوَ كَالْخَازِنِ وَ الْوَكِيلِ الْحَافِظِ لِمَا تَحْتَ يَدِهِ وَ الْقَائِمِ بِأُمُورِ الرَّجْلِ بِلُغَةِ الْفَرَسِ»؛ (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ۱۲/۴۹۶)

۴- نیز «قهرمان» فردی است که به امور حکم می‌کند و در آن تصرف دارد.
«القهرمان هو الذی یحکم فی الامور و یتصرف فیها بأمره»؛ (بیضون، ۱۳۷۵ق، ۶۴۰)

نقش صفات تکوینی در انجام وظایف

آفرینش زن در ابعاد روح و جسم از جهات بسیاری با آفرینش مرد اشتراک دارد و تمایز و تفاوتی در حقیقت و ماهیت میان زن و مرد نیست. خداوند تبارک و تعالی به صراحت از این حقیقت پرده برمی‌دارد، و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً»؛ (نساء/۱)؛ ای مردم، از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید... (ترجمه فولادوند)

آفرینش یکسان زن و مرد از نفس واحد، بیانگر آن است که آن دو دارای سرمایه‌های یکسان وجودی‌اند و هویت انسانی مشترکی دارند. این هویت مشترک در جنسیت‌های متفاوت، جلوه‌های متناسب خود را دارد. از این رو گرچه زن و مرد در بسیاری از صفات مشترک‌اند، اما در برخی موارد بین آن‌ها اختلاف‌هایی وجود دارد. آشکار است که این تفاوت‌ها بر ایفای وظایف و نقش آن‌ها مؤثر است. تفاوت در عملکرد و رفتار فطری زن و مرد، سبب تعامل و همبستگی بین زوجین می‌شود. از این رو شناخت این تفاوت‌ها و الزام به رعایت آن‌ها امری ضروری است و موجب رضایت از زندگی و استحکام خانواده می‌شود.

یکی از تفاوت‌های غیر قابل انکار زن و مرد، تقویت بُعد عاطفی در زن است. در تبیین روانشناختی صفت مذکور و علت تکوینی آن، می‌توان به ایفای نقش زنان در امر خطیر

همسری و مادری اشاره نمود، که خداوند برای تحقق آن، فطرت زن را سرشار از احساس نموده و او را آئینه تمام‌نمای لطافت قرار داده‌است. خداوند ارزش وجودی زن را در اظهار عاطفه و محبت بنا نهاده تا با مهرورزی به شوهر و خانواده، معلم و الگوی محبت، صفا، لطف و وفا باشد و محور اصلی آرامش در خانواده گردد.^۱

بدیهی است تغییر صفات و نقش‌ها موجب دگرگونی در روند حیات بشر می‌شود. از این رو در آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام بر حفظ ارزش‌های جنسی همراه با حفظ ارزش‌های انسانی تأکید شده‌است. برخی از ویژگی‌های زن در کلام امیرمؤمنان علیه‌السلام با محوریت نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، می‌توان در موارد زیر دانست.

۱- زن و بعد لطافت

زن به دلیل نقش اصلی خود در نظام هستی- که صلاح فردی، خانوادگی و اجتماعی بر پایه آن استوار است و پرورش و تربیت اولیه انسان بر مبنای آن است- در نظام آفرینش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. جایگاهی که مرد قابلیت جانشینی آن را ندارد.

بر پایه این نقش خطیر است که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام با نگرش روانشناختی به این تفاوت روانی- جسمی زنان نسبت به مردان اشاره می‌نماید و با در نظر گرفتن وضعیت خاص بیولوژیکی زنان در یک توصیه اخلاقی، لزوم در نظر گرفتن روحیات بانوان را یادآور می‌شود و به مردان و جامعه سفارش می‌نماید تا به فطرت و صفات و عواطف آن‌ها توجه نمایند و زنان را به «ریحان» تشبیه می‌نماید که باید همچون گلی خوشبو آن‌را بنگرند و بپویند. (نک: نواب لاهیجانی، ۱۳۷۹ش، ۲/۱۰۹۵) زنان همچون گل بهاری‌اند. (نک: ارفع، ۱۳۷۹ش، ۱۰۲۱) که باید با لطافت با آن‌ها برخورد شود تا پژمرده نگردند و اطراف خود را خوشبو و با طراوت سازند. برخی از شارحان در شرح حکمت «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ» آورده‌اند: شاید انتخاب کلمه ریحانه به جای زن، از آن رو باشد که زنان عرب بوی خوش، فراوان به کار می‌بردند. (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۵ش، ۵/۱۰۲).

پیامبر اکرم (ص) نیز که به مصداق آیه شریفه:

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (النجم/۳-۴)

۱. در ادامه به علت لطافت وجودی در بانوان پرداخته می‌شود.

کلامش نشأت گرفته از وحی الهی است، دختر را همانند گلی برمی شمرد که باید او را ببیند، در حالی که روزیش با خدا است:

«وَاللّٰهُ يَرْزُقُهَا، وَهِيَ رِيحَانَةٌ تَشْتُمُهَا». (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ۳۳۷/۱۱؛ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۱۴۰۶ق، ۲۰۲؛ همو، من لا يحضره الفقيه ۱۴۱۳ق، ۴۸۲/۳، عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۶۳/۲۱)

برخی مفسران قرآن کریم نیز در تأیید به تفسیر و تبیین بعد عاطفی زن پرداخته‌اند. از جمله آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد:

«عاطفه است که بنیان مرصوص را نگه می‌دارد. هرگز نمی‌شود کاخی ساخت که همه‌اش از آهن و سنگ سخت باشد. یک ملاط نرم نیز لازم است تا سنگ‌های سرد و سخت و آهن‌های متصلب را در آغوش خود جا بدهد. زن مظهر عواطف و احساسات است و اگر عاطفه را از جامعه گرفتید مثل آن است که این ملاط‌ها را از لابه‌لای این دیوارها و آجرها و سنگ‌ها برداشته‌باشند که رفتن این ملاط‌ها همان و سقوط ساختمان همان»؛ (جوادی آملی، ۱۳۷۳، ۳۷).

علت لطافت و جودی زن

علت لطافت و جودی زن در قرآن کریم ایجاد بستر مناسب جهت آسایش و سکون خانواده و جامعه معرفی شده‌است:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» (الاعراف/۱۸۹)؛ اوست آن‌که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد...»

و نیز می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ (الروم/۲۱)؛ و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.»

بنابراین دین اسلام زن را منشأ لطافت و سکون و آرامش می‌داند و همراه با معیار نظری، به ارائه الگوهایی عملی نیز می‌پردازد. چنان که صدیقه طاهره بنت رسول‌الله (ص) را نمونه کامل آرامش زن معرفی می‌نماید. امام علی علیه السلام نیز در تبیین جایگاه همسر گرامی خویش خطاب به ایشان می‌فرماید:

تو برای من زنی بودی که اگر تمام غم‌های جهان بر من روی می‌آورد، چون به خانه می‌آمدم و چشمم به تو می‌افتاد، غم‌هایم را فراموش می‌کردم. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۴۳/۱۳۴)

این رابطه امروز در علم روانشناسی مورد توجه برخی روانشناسان قرار گرفته و گروهی از روانشناسان در بیان تفاوت‌های روحی میان زنان و مردان معتقدند:

بانوان منشاء آرامش و صمیمیت و مردان نیازمند محیطی آرام، سالم و همراه با انس و الفت هستند تا بتوانند در نهایت کفایت و لیاقت به انجام شغل و حرفه‌شان بپردازند. (کارنگی دورتی، ۱۳۷۳، ۱۶۳-۱۶۹)

این معنا در بیان برخی شارحان نهج‌البلاغه نیز مورد توجه بوده‌است. مولی‌فتح‌الله کاشانی مترجم و شارح متقدم نهج‌البلاغه، آرامش وجود زن موجب تعلقات عاطفی همسر می‌گردد و لطافت او زمینه‌ساز لذت و استمتاع (کاشانی، ۱۳۶۶ش، ۳/۱۲۶)، همچنین ابن‌میثم شارح بزرگ نهج‌البلاغه این حالت را موجب کامیابی و بهره‌برداری می‌داند (نک: ابن‌میثم بحرانی، ۱۳۷۵ش، ۵/۱۰۲). در برخی از شروح نهج‌البلاغه نیز درباره «ریحانه» آمده‌است:

«أی المرأة ریحانة فتشتم، فیجب أن یتقصر علی التمتع بها»؛ (السرخسی، ۱۳۷۳ش، ۲۵۲).

بنابراین می‌توان چنین برداشت کرد که میان دستوره‌های دین و فطرت انسان تطابق وجود دارد. هر یک از دو جنس مذکر و مؤنث به سمت حفظ ویژگی‌ها و صفات جنسی دعوت شده‌اند و از آن‌جا که جنس مؤنث موجودی لطیف است، به جنس مذکر توصیه می‌شود تا با او برخورد ملاحظانه داشته‌باشد.

توجه به بعد لطافت و عاطفه زن در افزایش کیفیت نقش همسری و مادری مؤثر است. از

آنجا که در دیدگاه اسلام، نقش زن الزاماً محدود به محیط خانه نیست و در صورت ضرورت لازم است در فعالیتهای اجتماعی نیز شرکت نماید، لذا توصیه شده در انتخاب نوع فعالیت، ویژگیهای مختص زنانه را لحاظ نماید تا در تبعیت با شرایط محیطی، لطافت آنها برخلاف فطرتشان به خشونت تبدیل نشود و مهمترین و اصلیترین نقش زن تحت تأثیر عوامل محیطی قرار نگیرد. زیرا کرامت جامعه به کرامت او باز می‌گردد و پرورش انسانها و ایجاد زمینههای اصلاح و رشد جامعه به عاطفه، مهر و دلسوزی نیازمند است.

بنابراین در تعارض با دیدگاه اول، واژه «ریحانه» بیانگر ضعف و ناتوانی زنان نیست، تا گفته شود بانوان قدرت انجام فعالیتهای قهرمانانه اجتماعی را ندارد، بلکه نشانه لطافت وجودی آنها است تا همچون گل با آنها برخورد شود، همانگونه که با هر جنس لطیفی با لطافت برخورد می‌شود. زیرا ماهیت زن بر اساس لطافت و ظرافت خاصی بنا شده است که این لطافت ملازم با ضعف و ناتوانی و در تضاد با عقلانیت او نیست. همانطور که گاه وجودی خشن ولی ناتوان است، وجودی هم می‌تواند لطیف ولی توانمند باشد و همانطور که قوه قهریه در مردان در تضاد با عقلانیت آنها قرار نمی‌گیرد، قوه عاطفه در زنان نیز در تقابل با قوای فکری آنها نیست.

نمونههای فراوانی در طول تاریخ گواه توانمندی بانوان در عرصه‌های مختلف است. به‌عنوان مثال می‌توان به بانوان زیر اشاره نمود:

۱. آسیه همسر فرعون که به گواهی قرآن کریم مقاومت او در برابر طاغوت، الگو و سرمشق تمامی مؤمنان قرار گرفت. (نک: التحريم / ۱۱)
۲. مریم دختر عمران نیز که دامان خود را پاک نگاه داشت و توانست دریافت‌کننده کلمه‌ای از کلمات الهی باشد و حضرت مسیح را پرورش دهد. (نک: التحريم / ۱۲)
۳. هاجر همسر ابراهیم علیه السلام تسلیم محض فرمان الهی بود و سعی او در بین صفا و مروه و تلاش او برای سیراب نمودن فرزندش یکی از شعائر الهی گردید.
۴. سمیه، اولین شهیده اسلام، همسر یاسر و مادر عمار، صحابی بزرگوار پیامبر اکرم که در جنگ صفین در رکاب امام علی علیه السلام به شهادت رسید. او در میدان جهاد و جنگ در مقابل مشرکان تا پای جان ایستاد.

۵. زینب(س) قهرمان کربلا که در مقابل یزید به دفاع از عقیده و ایمان پرداخت.

۲- زن و امور خارج از توان

از دستورهای مترقی دین اسلام که سرآمد تمام ادیان است، ایجاد تناسب بین ویژگی‌های فطری و توانمندی‌های افراد با فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. امعان نظر در این موضوع این رهیافت را در پی دارد که توقع و انتظار از فردی بیش از حد تواناو، موجب آسیب بر روحیه و شخصیت وی می‌شود. بنابراین نوع فعالیت و توانایی فرد در تلازم با یکدیگرند و این امر دارای شمول است. تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد، انتظارات متفاوتی از آن‌ها ایجاد می‌کند. امیرمؤمنان علیه السلام در بیان این همبستگی بر توان و توقع، در مورد زنان سفارش بیشتری نموده و مردان را متوجه موقعیت فیزیکی، بیولوژیکی و نیز لطافت وجودی زن نموده‌است. توجه امام معطوف به این معناست که نمی‌توان بارهای سنگین زندگی را بر زن حمل کرد و انتظاری خارج از فطرت و طبیعت او داشت. (نک: نامه ۳۱ نهج البلاغه)

از این‌رو از زن انتظار نمی‌رود که در تمام امور به اندازه مرد صرف انرژی و نیرو کند و این امر از سوی جامعه نیز باید پذیرفته‌شود که بانوان را در فعالیت‌هایی شرکت دهند که نیاز به صرف نیروی کمتر و در عین حال لطافت بیشتر دارد و آن‌ها را به کارهایی وادار نمایند که در توانشان نیست. (ارفع، ۱۳۷۹ ش، ۲۱-۱)؛ نیز آن‌ها را بر آنچه ضروری نیست، مسلط نگردانند، زیرا زن همچون گیاهی است خوشبو نه انسانی قهرمان (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۵/۵۱/۹۱) که کارفرما باشد و نباید در انجام هر نوع کاری او را دلیر و نیرومند دانست (ارفع، ۱۳۷۹ ش، ۱۰۱۹). زیرا واگذاری اموری که فوق طاقت ذاتی زن است، موجب رنج و فرسودگی او می‌شود و زیبایی و لطافت او را از بین می‌برد. از این‌رو ایجاد قالب شغلی واحد برای دو جنس به حوزه عدالت تعلق ندارد.

۳- زن و فعالیت‌های اجتماعی

از نظر اسلام، زن و مرد در میدان‌های کار و تلاش حق مشارکت دارند. اسلام محرومیتی برای افراد در زندگی اجتماعی براساس جنسیتشان قائل نیست. آن‌ها می‌توانند در ساختن جامعه، شرکت فعال نمایند. اما این باور که تقسیم‌بندی عادلانه‌ای متناسب با فطرت زن یا مرد است،

از ضروریتهای زندگی اجتماعی و خانوادگی است. باور درست در حوزه خصوصیت‌های مرد و زن و به‌کارگیری آن موجب ایجاد همبستگی برای میان ویژگی‌های خاص و نوع فعالیت آن‌ها می‌شود در نتیجه فعالیت تعریف می‌شود که تناسب بیشتری با رفتار وجودی آن‌ها داشته‌باشد.

در این بین نقش زنان در سازندگی و اعتلای خانواده و جامعه قابل انکار نیست. شرکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی و در حوزه‌های متناسب با استعدادهای آن‌ها، مهم و ارزشمند است. آیات قرآن کریم نیز بیانگر حضور اجتماعی زن در برخی موارد، حتی در کانون زندگی انبیا الهی علیهم‌السلام است. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا...! (قصص/۲۳)؛ و چون به آب مدین رسید مردمی را دید که از چاه آب می‌کشند و در طرف دیگر دور از مردم دو نفر زن را دید که گوسفندان را از اینکه مخلوط با سایر گوسفندان شوند جلوگیری می‌کردند، موسی پرسید چرا ایستاده‌اید؟ گفتند: ما آب نمی‌کشیم تا آنکه چوپان‌ها گوسفندان خود را ببرند، و پدر ما پیری سالخورده است.»

حضور دختران نبی ﷺ بیانگر تأیید دین بر امکان مسئولیت‌پذیری بانوان در عرصه عمومی است. اسلام به تناسب مسئولیت‌ها با توانمندی افراد و رعایت کرامت نفس آن‌ها در انتخاب مشاغل، دقت وافر داشته‌است و برای نیل به این تناسب ویژگی‌های روانی، اخلاقی، نیازها، توانایی‌ها، ظرافت‌ها و درک صحیح از عواطف و ادراکات فرد را مورد بررسی قرار داده و قوانینی وضع نموده‌است که ضمن بهره‌مندی از توانایی‌های همه آحاد بشر، لطمه‌ای به فطرت و روح افراد وارد نشود. بدین‌روی هدف اسلام خارج نمودن گروهی از انسان‌ها از حوزه فعالیت به واسطه جنسیت نبوده، بلکه هدف ایجاد رعایت بهداشت روانی فرد، خانواده و جامعه است که بر پایه توانمندی‌های فرد و رعایت کرامت نفس استوار است. از این‌رو همه افراد اعم از زن و مرد را به انتخاب مشاغل دعوت می‌نماید که شئون خود را رعایت نمایند و حرفه آن‌ها مطابق با فطرت، نیازها انتخاب شود.

ضمن توجه به این نکته که بار اصلی مسئولیت بانوان، مدیریت و اداره منزل است و چون

منزل، بخشی قابل توجه از جامعه است، فعالیت‌های درون خانه برای بانوان خود نوعی فعالیت اجتماعی تلقی می‌شود.

۱-۳- ضوابط کلی حضور افراد در جامعه

در فعالیت‌های اجتماعی زنان سه معیار دارای اهمیت است:

۱- رعایت موازین شرعی و عدم اختلاط زن و مرد، این امر تنها اختصاص با زنان نداشته و همه افراد لازم است فعالیت‌های خود را مطابق با قوانین و موازین شرع انجام دهند. امیرمؤمنان علیه السلام بر پایه این ضرورت، به زنان سفارش می‌کند تا حدودی برای خود برای خود در نظر بگیرند و با افراد غیر مطمئن در تعامل قرار نگیرند، خواه این تعامل در حوزه خارج از خانه یا داخل آن باشد.

ایشان می‌فرماید:

«وَلَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ - مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُؤْتَقُ بِهِ عَلَيْنَهِنَّ...»؛ (ابن میثم

بحرانی، ۵/۱۳۶۶/۸۸)

بر این اساس تعامل بانوان با افراد نامطمئن خواه درون خانه یا خارج از آن به یک اندازه می‌تواند ناپسند و خطرناک و موجب فساد باشد.

اما عده‌ای به بهانه تساوی حقوق زنان منظورشان سوءاستفاده از جنس مؤنث است و حضور بانوان را به بهانه امور اقتصادی و اجتماعی برای تمتعات خود خواسته‌اند. (نک: انصاری، بی تا، ۸۵۱) از این رو برخی صاحب‌نظران نسبت به خروج زن از خانه، و حضور او در محیط کار مخالفت کرده‌اند. حال اگر مشخص گردد که بانوان در محیط‌های به دور از اختلاط و در اموری که مختص بانوان است، به فعالیت می‌پردازند، مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها، ارائه افکار و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی از بین نمی‌رود. این اعتقاد زمانی مطرح می‌شود که زنان جایگزین مردان در فعالیت‌های اختصاصی آن‌ها شوند. اما اگر قرار باشد زنان در صحنه‌های اجتماعی فعالیت‌های متناسب با موقعیت خود را برعهده گرفته و با موفقیت به انجام برسانند، به پایگاه و حیثیت اجتماعی آنان خدشه‌ای وارد نخواهد شد. همچنین آگاهی‌های اجتماعی نسبت به حقوق، جایگاه و نحوه مشارکت آن‌ها فراهم می‌شود، و نگرش‌ها و بینش‌ها تغییر یافته و هر فرد در جایگاه اجتماعی خود قرار می‌گیرد و فرصت‌های اجتماعی که مطابق با

وضعیت روحی و جسمی فرد است، با امکانات و شرایط و زمینه‌های لازم فراهم می‌آید. رعایت این حدود و ثغور باعث اشتیاق و علاقه‌ی زنان به حضور مثبت در امور اجتماعی-سیاسی می‌گردد و با ایجاد فرصت‌های مناسب بستر رشد و آگاهی برای آن‌ها فراهم می‌شود. زیرا زنان همانند مردان دارای رسالت الهی - انسانی‌اند و علیرغم تفاوت‌های طبیعی لازم، در مسیر تکامل و عبادت گام برمی‌دارند.

۲-۳- زن و تناسب مسئولیت

مسئولیت‌پذیری زن و مرد باید متناسب با شرایط جسمی و روحی آنان باشد. برخی مسئولیت‌ها با شرایط جسمی و روحی مرد و برخی با شرایط جسمی و روحی زن ناسازگار است. عدالت اجتماعی اقتضا می‌کند هر مسئولیتی در جایگاه خود قرار گیرد. در غیر این صورت موضع عادلانه رعایت نشده و افراد دچار زحمت و مشقت می‌شوند.

امام علی علیه السلام به سبط اکبر- آن سلاله مصطفی (ص) که از مظاهر اعلالی مسئولیت‌پذیری متناسب با شخصیت و استعداد خویشتن است و باید از محضر پدر بزرگوار درس مسئولیت دادن را فراگیرد و به دیگران بیاموزد- سفارش می‌کند کاری خارج از محدوده‌ی توانایی زن، به او واگذار نکند، که آن گونه‌ای از ظلم است؛ همان‌طور که اگر او را از کاری که در خور توانایی اوست، باز دارند، ظلمی دیگر مرتکب شده‌اند. از این رو مشمول مظلومیت مضاعف می‌شود، زیرا از یک‌سو از کاری که در خور اوست، بازمانده و از دیگر سوی به کاری گماشته شده که در حد توانش نیست. البته واگذاری مسئولیت‌های خطیری مانند قضاوت و حکومت به مردان، به معنای کاستن کرامت زنان نیست، بلکه به دلیل رعایت تناسب طبیعی در بخش مسئولیت‌هاست. از دیدگاه اسلام فلسفه احکام و تکالیف مربوط به زن، نه به دلیل محدودیت و محرومیت است و نه به علت تبعیض و بی‌عدالتی، بلکه به معنای حمایت از گوهر وجودی زن است. زن باید نقش‌هایی از خود به منصف ظهور برساند که با نقش اصلی او که تربیت و اصلاح نسل‌هاست، تضاد نداشته‌باشد و او مبداء سعادت‌ها و مربی جامعه و مبداء خیرات گردد.

۳-۳- زن و حفظ کرامت انسانی

حفظ کرامت انسانی بر تمامی افراد اعم از زن و مرد امری واجب است و عموم مردم باید در

انتخاب فعالیت‌های خود کرامت انسانی را مدنظر گیرند. شارحان نهج البلاغه درباره فعالیت‌های اجتماعی و حفظ کرامت انسانی، به‌ویژه برای بانوان، به شرح کلام امیرمؤمنان علیه السلام پرداخته‌اند: «و منها: المنع عما یمسّ کرامتها من ذهابها إلى اجتماعات رجالیة، أو نسائیة فإنّ المرأة تسعى غالباً فیما فیہ زینتها و تسویل نفسها»؛ (غروی، ۱۳۶۷، ۴۶۴) رعایت کرامت انسانی به نفع نوع آدمی است. در این باره نیز برخی از شارحان آورده‌اند: «لا تملک المرأة من الأمر ما یجاوز نفسها، فإنّ ذلك أنعم بحالها و أرخی لبالها و أدم لجمالها، فإنّ المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة»؛ (شوشتری، ۱۳۷۶، ۳۱۱/۸)

۴- زن و خشونت

زن در عین حال که دارای عزم و اراده قوی است، اما موجودی لطیف است. برخی از شارحان در تبیین کلام امیرمؤمنان علیه السلام که فرمود: «انّ المرأة ریحانة لیست بقهرمانة» قهرمانه را به معنای پهلوان و قهرمان خشنی تفسیر نموده‌اند، که نباید از او توقع انجام کارهای قهرمانی داشت، زیرا جنبه‌های عاطفی و لطافت روحی او مانع از خلق قدرت و قهرمانی می‌شود. این گروه از شارحان با استناد به جمله «و لا تملک المرأة من أمرها ما جاوز نفسها؛ به زن بیش از حد خود و اموری که به او مربوط نیست، تحمیل مکن!» از مردان می‌خواهند بیش از حد زنان و اموری که مربوط به آن‌ها می‌شود، بر آن‌ها تحمیل نکنند (یعنی کارهای سنگین و مشکل را به عهده او مگذار)، زیرا زن همچون شاخه گل است نه قهرمان خشن. (نک: امامی ۱۳۷۹ش، ۹۹/۳؛ تمیمی، ۱۳۷۸ش، ۲ / ۴۶۷؛ زمانی، ۱۳۶۰، ۳۰۷/۳) او همانند گل بهاری لطیف و آسیب‌پذیر است، و پهلوانی کارفرما و دلیر نیست (شهیدی، ۱۳۷۸ش، ۳۰۷). واژه دلیر به معنای دلاور، شجاع، بی‌باک (فرهنگ عمید)، گستاخ (فرهنگ فارسی معین) است.

با توجه به شروع نهج البلاغه، کلام امیرمؤمنان در نامه ۳۱ اشاره به لطافت زنان دارد و این که آن‌ها در انجام هر کاری دلیر، بی‌باک و شجاع و نترس نیستند و به دلیل ویژگی‌هایشان نمی‌توانند به انجام هر کاری بپردازند. آن‌ها گل نازک و خوشبو هستند، نه پهلوانانی پر زور و در پی نیرو (صحتی سردرودی، ۱۳۹۱، ۵۷۷) و نه انسانی نیرومند (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۵، ۵۱۳/۲) و در پی قدرت. آنان به دلیل روحیه عاطفی و لطیف خود نمی‌توانند عهده‌دار امور خشن و فعالیت‌هایی شوند که نیاز به دلیری و نیرومندی دارد.

البته این سخن نمی‌تواند در تأیید عدم مشارکت اجتماعی زن باشد. زیرا مشارکت او به توان ارائه افکار و اندیشه‌ها و فطرت و غریز او بستگی دارد. کلام امیرمؤمنان علیه السلام در «لیست بقهرمانه» دال بر عدم توانایی اندیشه و حضور در فعالیت‌های اجتماعی نیست، بلکه تعیین‌کننده محدوده این حضور است.

۵- زن و فرماندهی

بانوان باید از آنچه به لطافت آن‌ها صدمه می‌زند، دوری نمایند. مردان و جامعه موظف هستند تا بستر مناسبی جهت حفظ روحیات بانوان فراهم سازند. امیرمؤمنان علیه السلام از مردان می‌خواهد تا زنان را دستخوش حوادث قرار ندهند و با اذیت و آزار آنان را به هیجان نیاورند، هرچند آن‌ها به مردان ناسزا گویند و دشنام دهند و متعرض آبروی آن‌ها گردند.

«...وَ لَا تَهْجُوا النِّسَاءَ بِأَذَى - وَ إِن شِئْتُمْ أَغْرَاضُكُمْ»؛ (صبحی صالح، بی تا، ۳۷۳)

سفارش امیرالمؤمنین علیه السلام دال بر آن است که بانوان به دور از هرگونه خشونت و هیجانات روحی بتوانند به وظایف حیاتی و مهم خود که ایجاد سکون و آرامش در خانه و پرورش فرزندان است، بپردازند.

ایشان زنان را کارفرما و قائم‌مقام مردان نمی‌داند که شغل‌شان امر و نهی باشد. (نواب لاهیجانی، ۱۳۷۹/۱۰۹۵) زیرا آن‌ها برای حکمرانی و تسلط آفریده نشده‌اند (ابن‌میثم بحرانی، ۱۳۷۵، ۱۰۲/۵) و نیز کارفرما در افعال و اوضاع نیستند. (نک: کاشانی، ۱۳۶۶/۱۲۶) و نیز مسئول اداره و مدیریت نیستند (منهاج، ۱۳۹۰، ۹۴۲) و در انجام هر کاری نیز قهرمان، دلیر و نیرومند نیستند. (ارفع، ۱۳۷۹، ۱۰۲۱)

این گروه از شارحان نهج‌البلاغه معتقدند که امر و نهی و تصرف در امور در شأن یک قهرمان است، نه موجودی که دارای لطافت است.

«و لا یمكن من الأمر و النهی و التصرف فی الأمور، فان ذلك من شأن القهرمان»؛ (السرخسی، ۱۳۷۳، ش، ۲۵۲).

بنابراین نباید زن را در کاری که از حد توانایی‌اش خارج است، وادار نمود و از او انتظار

کارهای سخت داشت.

۶- زن و کارگزاری

کانون خانواده، جایی است که عواطف و در آن باید در آن به رشد و بالندگی برسد. اگر این لطافت‌ها محور اصلی خانواده نباشد، خانواده معنای واقعی خور را باز نمی‌یابد. تحقیر زنان و نادیده گرفتن نقش اصلی و شئون آن‌ها در ایجاد فضای محبت‌آمیز در خانه و تصور چون خدمتکار خانگی داشتن، ظلم و اهانتی بزرگ به وی محسوب می‌شود. همانطور که زن فرمانده نیست، کارگزار و خدمتکار نیز نیست. پیشکار فرض نکردن بانوان موجب احساس رضایتی می‌شود که او را مشتاق به انجام کارهای خانه می‌کند و همکاری و مساعدت مرد در امور منزل و تربیت فرزندان موجبات دلگرمی همسر می‌شود.

پیامبر اکرم (ص) در تأکید بر همکاری داماد بزرگوارشان در امور خانه (پاک کردن عدس) اجر و ثوابی فراوان و مطابق با پاداش صابران برای ایشان بیان می‌کند. کلام امیرالمؤمنین در این باره چنین است:

«دَخَلَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) رَسُولُ اللَّهِ صَ وَ فَاطِمَةُ جَالِسَةٌ عِنْدَ الْقَدْرِ وَ أَنَا أَتَقِي
الْعَدَسَ قَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ قُلْتُ لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَسْمِعْ مِنِّي وَ مَا أَقُولُ إِلَّا
مَنْ أَمَرَ رَبِّي مَا مِنْ رَجُلٍ يُعِينُ امْرَأَتَهُ فِي بَيْتِهَا إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ
عِبَادَةٌ سَنَةً» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۰۱/۱۳۲ح ۱).

امیرمؤمنان علیه السلام بر پایه این تعلیمات با همسر خود همچون گلی خوشبو رفتار می‌نماید و به تمامی مردان سفارش می‌کند که زن ریحانه است و کارگزار و پیشکار نیست. (نک: عبده ۱۳۷۴ش، ۵۴۸)

با توجه به مطالب ذکر شده، با محور قرار دادن توانایی‌ها، نقش‌ها و ظرافت زنان هم فرماندهی موجب خشونت در روحیه او می‌گردد، و هم کارگزاری و پیشکاری لطافت او را از میان می‌برد. در حالی که وظیفه اصلی زن، همسری و مادری است و تأمین نفقه زندگی بر عهده او نیست و نباید در ناملايمات زندگی قرار گیرد و یا خدمتکار مطلق برای اعضای خانواده باشد.

کارگزار افزون بر معنای خدمتکار، می‌تواند به معنای وکیل خرج نیز باشد. به طوری که در برخی شروح آمده است: زمام زن را به دست خودش مسپار تا (هر کار خواهد بکند و) از حد خودش تجاوز نماید زیرا که زن به منزله گلی است که برای بو کردن و از روی تمتع بردن است و دلیر و توانا و وکیل خرج و سرکار (انصاری، بی تا، ۲/ ۸۱۹) و حاکم در امور و قیوم در کارها نمی‌تواند باشد. (قرشی بنایی، ۱۳۷۷، ۴۷۸/۱)

نتیجه

- دین اسلام در عین حال که مرد و زن را در شئون انسانی و حقوق اجتماعی برابر می‌داند، اما از حیث ویژگی‌های روحی و تفاوت‌های جسمی، بین کارکردهای هریک تفاوت قائل است.
- تفاوت در وظایف مرد و زن، با هدف تکمیل ویژگی‌های دو جنس بوده و تبعیض و بی‌عدالتی محسوب نمی‌شود.
- نوع وظایف محوله بر زنان مطابق با ویژگی‌های وحی و جسمی آنها بوده و نقیصی رای آنها محسوب نمی‌شود.
- توجه به خصوصیات زنان و رعایت حقوق آن‌ها موجب ایجاد آرامش در آن‌ها می‌شود و احترام به حقوق و شئون او بدون شناخت ویژگی‌های روانی، اخلاقی، نیازها و ظرافت‌های زنانه و رعایت عواطف و احساسات او میسر نخواهد بود. احساسات عاطفی در زنان شاخص می‌باشد و لطافت و عاطفه در زنان با عقلانیت آن‌ها در تقابل نیست
- اسلام احیا کننده حقوق زنان و رعایت کننده صفات آن‌ها می‌باشد و با تبیین صفات و ویژگی‌ها، زن بودن او را تأکید می‌نماید. بنابراین دستورات اسلام با هویت طبیعی همسو و منطبق است.
- زن در قرآن همان زن در طبیعت است. از این رو در کتاب تکوین و دین به زن یکسان نگاه شده است. نهج البلاغه زن را همچون گل توصیف می‌کند که باید از آن محافظت نمود و امور فوق طاقت و به دور از فطرتش بر او حمل نکرد تا لطافت او دچار خدشه نگردد.

- قرآن کریم
- سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۹ش
- ابن ابی الحدید عبدالحمید بن هبه.ت. الله، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۷۹ش
- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق
- ابن میثم بحرانی میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، مترجمان قربانعلی محمدی مقدم - علی اصغر نوایی یحیی زاده، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش
- — اختیار مصباح السالکین، مصحح محمد هادی امینی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ش
- ارفع سید کاظم، ترجمه نهج البلاغه، تهران، انتشارات فیض کاشانی، چاپ دوم، ۱۳۷۹ش
- امامی محمد جعفر، آشتیانی محمد رضا، نهج البلاغه، زیر نظر آیه الله مکارم شیرازی، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۹ش
- انصاری، محمد علی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، قم، ناشر محمد علی انصاری، چاپ سنگی
- بهشتی احمد، اندیشه سیاسی - تربیتی علوی در نامه‌های نهج البلاغه، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۹ش
- بهشتی محمد، ترجمه نهج البلاغه، انتشارات شهریور با همکاری تابان، بی تا
- بیضون لیب، تصنیف نهج البلاغه، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم ۱۳۷۵ش
- تمیمی آمدی عبدالواحد، غرر الکلم و درر الکلم، مترجم محمدعلی انصاری قمی، تهران، چاپ هشتم، بی نا، بی تا
- — مترجم سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ش
- جوادی آملی، عبد الله، زن در آئینه جلال و جمال، قم، اسراء، ۱۳۷ش

- زمانی مصطفی، نهج البلاغه از دیدگاه قرآن، قم، انتشارات پیام اسلام، ۱۳۶۰ش
- — ترجمه نهج البلاغه، تهران، موسسه انتشارات نبوی، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۸ش
- سرخسی علی بن ناصر، اعلام نهج البلاغه، تهران، انتشارات عطارد، ۱۳۷۳ش
- شوشتری محمد تقی، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۶ش
- شهیدی سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸ش
- صبحی صالح، نهج البلاغه، قم، موسسه دارالهجره، بی تا
- صحتی سردرودی محمد، نهج البلاغه، سخنان امام علی علیه السلام تحقیق متن و ترجمه فارسی، قم، فقه الثقلین، ۱۳۹۱ش
- الصدوق ابی جعفر محمد بن علی بن الحسن بن بابویه القمی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، انتشارات شریف رضی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق
- — من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق
- عاملی حرّ، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ هـ ق
- عبده محمد، شرح نهج البلاغه، ترجمه علی اصغر فقیهی، تهران، انتشارات صبا، چاپ اول، ۱۳۷۴ش
- عزیزاده عمران، واژه های نهج البلاغه، قم، بی نا، ۱۳۶۰ش
- غروی محمد، الامثال و الحكم المستخرجه من نهج البلاغه، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷ش
- فیض الاسلام سید علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام- انتشارات فقیه، چاپ پنجم ۱۳۷۹ش
- قرشی بنایی علی اکبر، مفردات نهج البلاغه، مصحح محمدحسن بکایی، تهران، موسسه فرهنگی نشر قبله، ۱۳۷۷ش
- کاشانی، فتح الله، تنبیه الغافلین و تذکره العارفين، ترجمه و شرح فارسی نهج البلاغه، تصحیح و

توضیح دکتر منصور پهلوان، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۶ش

- الکلینی ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ق
- مجلسی محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت - لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق
- مغنیه محمد جواد، فی ظلال نهج البلاغه محاوله (ت) لفهم جدید، بیروت، دارالعلم الاسلامیه، چاپ اول، ۱۹۷۳م
- منهاج دشتی ابراهیم، نهج البلاغه به صورت موضوعی، قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) ۱۳۹۰ش
- الموسوی عباس علی، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالحجّه (ت) البیضاء دارالرسول الاکرم، چاپ اول، ۱۴۱۸ه.ق
- ناظم زاده قمی سید اصغر، جلوه های حکمت، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش
- نواب لاهیجانی محمد باقر، شرح نهج البلاغه، (تألیف در ۱۲۲۵-۱۲۲۶ه.ق) تصحیح و تعلیقات سید محمد مهدی جعفری، محمد یوسف نیری، تهران، ناشر میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۷۹ش
- کاوشی در نهج البلاغه، مجموعه مقالات و سخنرانی ها در کنگره بین المللی هزاره نهج البلاغه، ویراستار محمد سپهری، تهران، انتشارات بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۸۸ش



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی